

ایستاد» در پی وصول شکایات متعدد مبنی بر برداشت های اینترنتی غیرمجاز از حساب های بانکی، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستورکار کارشناسان فنی قرار گرفت. برپایه بررسی های تخصصی نشان داد مجرمان سایبری با ارسال پیامک های جعلی در شبکه های اجتماعی و پیام رسان ها با عناوینی همچون «عکس یادگاری»، «شکوائیه»، «ابلاغیه قضایی» و «دریافت یارانه مستمری»، کاربران را به بازکردن لینک های آلوده و نصب بدافزار ترغیب می کردند، این بدافزارها پس از نصب روی تلفن همراه قربانیان، دسترسی کامل مجرمان به اطلاعات بانکی و پیامک های حساب های آنان را فراهم می ساخت. با دستگیری دو متهم، در ازای سرپوشش از یکی از شهرستان های شمالی کشور، در بررسی این تجهیزات توقیف شده و تحقیقات انجام شده، تاکنون ۲۵۰۰ فقره برداشت غیرمجاز به ارزش بیش از ۳۲ میلیارد ریال، معجز شده است. این مجرمان علاوه بر سرقت موجودی حساب قربانیان، با داراختیار گرفتن کد های کاربری فرد در پیام رسان ها و شبکه های اجتماعی، اقدام به جعل هویت و ارسال پیام های درخواست جرم به مخاطبان می کردند که این امر منجر به کلاهبرداری از دوستان و آشنایان مال باختگان نیز شده است. سرگروه پیام دریافتی حاوی لینک یافایل های ناشناس از سرشماره های شخصی و پیام رسان «بهضامینمی» (به «ابلاغیه قضایی»، «بخش نامه دولت» «بهضامت عدالت» و «جه روزرسانی همراه بانک»، می شک دامی برای آلوده سازی تلفن همراه و سرقت موجودی حساب بانکی است. از شهروندان تقاضا می شود ضمن بی توجهی به این پیام های جعلی، از کلیک کردن روی هرگونه لینک مشکوک خودداری کنند.

حادثہ

باشگاه خبرنگاران جوان با دریافت خبری درباره جعل نشان تجاری یکی از شرکت های تولیدکننده لوازم بهداشتی، موضوع به صورت ویژه در دستورکار پلیس قرار گرفت. بررسی های اولیه نشان داد افرادی با سوءاستفاده از نام و نشان تجاری یک شرکت معروف، درگاه های واقع در شهرستان نمین استان اردبیل اقدام به تولید تیغ اصلاح صورت تمپلیتی کرده و محصولات تولیدی را در آن شهرستان و همچنین استان تهران توزیع می کنند. پس از اقدامات اطلاعاتی و فنی، گروهی از کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری، همراه کارشناسان و نمایندگان شرکت اصلی به محل مد نظر اعزام شدند. پلیس در بازرسی از محل موفق به کشف ۱۰ هزار عدد تیغ اصلاح فله ای، ۲۵۰ تیغ اصلاح کارتن خالی با نشان تجاری اصلی و ۳۵۰ کارتونه تیغ اصلاح تایم معادل ۲۲ هزار و ۵۰۰ عدد محصول آماده عرضه شد.

جهان

ایستاد رسانی های محلی زاین گزارش دادند اوایل دیروز یک مدرسه ابتدایی در شمال توکیو دچار آتش سوزی شد و بر اثر آتش اساس های دانش آموزان و کارکنان تخلیه شدند. این آتش سوزی از طبقه چهارم این مدرسه در منطقه کتا واریا در توکیو آغاز شده بود و در زمان وقوع حادثه سیصد دانش آموز و معلم در محوطه مدرسه حضور داشتند. در این حادثه چندین دانش آموز به دلیل استنشاق دود دچار مصدومیت شدند و یک معلم زخمی شد. علت حادثه مشخص نشده است.

ایستاد مقامات تایلد اعلام کردند چندین مهاجم ناشناس صبح دیروز در جریان حمله به پرسنل امنیتی معلمان در جنوب این کشور، یک بمب دست ساز را منفجر کردند و در این حادثه شش افسر پلیس گشت مرزی مجروح شدند. این شش مجروح بلافاصله برای درمان به بیمارستان محلی منتقل شدند. هنوز هویت وانگیزه مهاجمان از این حمله مشخص نیست.

گزارش

زن جوان درپناه داعی‌ش انگار کسی
دل و جگرش پیدا کرده بود و برای
شکایت از یک مرد جانی مخوف
در نقش شوهر، به کلانتری آمده بود.

زنی که مددکار کلانتری اعلام کرد شوهرش دهان او
ببادستانش پاره کرده و به جای دوا و دکتر، خودش
با نخ و سوزن لب‌های زن را دوخته است.

با اعلام شکایت این زن در کلانتری خواجه ربیع،
با دستور سرهنگ روح... برزونی، رئیس این کلانتری
از زن جوان به دایرم مددکاری سپرده شد تا پس
از شنیدن اظهارات و ثبت آن، پرونده برای رسیدگی
به دادسرا ارسال شود.

● **افزاینده خیر نداشتیم**
 به گفته دایمی این زن جوان که فائزه نام دارد، شوهرش او را چند روز پیش به مشهد آورده و پس از بیرون انداختن از خودرو، او محل گریختن است. دایمی فائزه در پاسخ به این سؤال که شما از حال و روز خواهرزاده تان خبر نداشتید، بیان کرد: خواهر من مدت ها پیش فوت شده و شوهرش نیز مرحوم شده است. پس از فوت آن ها، فائزه که هفده ساله بود، بی کس و کار شده بود. بعد هم شنیدیم که عروس شده است و دیگر او خبر نداشتیم. در این مدت هم یاد من افتد درگیری داشته ام که فائزه هیچ وقت خدام نیامده است.

فائز که متولد سال ۱۳۸۶ است، درباره سرنوشت به مددکار کلانتری گفت: وقتی پدر و مادرم فوت کردند، من هفده ساله بودم. جایی برای زندگی نداشتم و مدتی با خواهر ناتنی‌ام زندگی می‌کردم و خودم را سربر آن‌ها می‌دانستم. نمی‌دانستم چه باید بکنم تا اینکه ناگهان سروکله یک خواستگار

برایم پیدا شد. تا به خودم آمدم دیدم بایک مرد غریبه که هیچ شناختی از او ندارم، سر سفره عقد نشسته ام و او شوهرم شده است. خواهرم من را عروس کرد.

زن جوان ادامه داد: پس از ازدواج، شوهرم من را به یکی از شهرستان های اطراف برد و ظاهراً خانه ای برایم گرفته بود. همان روز اول وارد خانه ای عجیب شدم؛ خانه ای که تقریباً وسط بیابان بود و دهه ها پیش، تافاصله های ده، از خانه ای دیگر

خبری نبود. فکر کنم که خانه را غیرمجاز ساخته بودند. اما اعتراضی نکردم، چون از بی سرباهی برایم بهتر بود و با اینکه درس زیادی نخوانده بودم و هیچ وقت نتوانستم کلاس ششم را تمام کنم، می دانستم که باید باکم و کاستی ها بسازم.

این زن در گذشته دامه داد؛ از همان روز اول، پسیده که زندگی‌اش شبیه نعرورس‌ها نیست، خانه و همسایه زیادی نداشت و خیلی زود فهمید که که شوهرم اعتیاد دارد و جلوم را دو مصرف می‌کند. با وجود این من دانستم چه باید بکنم. برای همین شوهرم هرکاری می‌کرد، چیزی نمی‌گفتم. اما کم‌کم او به بهانه‌ها و مختلف‌رویس دست بلند می‌کرد و هر بار یکی شک‌هایش بیشتر و شدیدتر می‌شد و من برای جز تحمل از دستم بر نمی‌آمد.

فائزه در پاسخ به اینکه چرا از خانه بیرون نیامدی، بیان کرد: من در آن خانه زندانی بودم. شوهرم صبح که از خانه بیرون می‌رفت، در را روی من قفل می‌کرد و تا شب که می‌آمد، امکان خارج شدن از خانه نداشتم.

او درباره اینکه چرا از دیگران کمک نگرفتی، گفت: نه تلفن همراه داشتم و نه خانه تلفن داشت. اطراف خانه هم مسکونی نبود که بتوانم با کسی ارتباط بگیرم. من در این خانه که شبیه شکنجه گاه بود، زندانی بودم.

بیمارستان رضوی منتقل شد، اما تلاش کادر درمان برای نجات جان او مؤثر نبود و این جوان به علت شدت جراحات جانش را از دست داد.

با مرگ مشکوک این جوان با ضربات گلوله، موضوع به عوامل انتظامی اعلام شد و با حضور مأموران در بیمارستان و تأیید جنایت، شبانه موضوع به بازپرس جنایی اعلام شد و قاضی وحید خاکسور همراه گروهی از افسران پلیس آگاهی در بیمارستان حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد مقتول جوانی بیست‌ساله

سید جلائیان! صبح دیروز، حوالی ساعت ۷:۳۰، یک سوانح جاده‌ای تلخ مشهود در آزادراه شهید شوشتری رخ داد. هنوز مشخص نیست کدام یک از سه خودرو پراید، فیدلیتی یا کامیون مقصر حادثه بوده‌اند، اما پس از برخورد این سه خودرو با یکدیگر، سرنشینان پراید بیشترین خسارت را متحمل شدند. با اعلام این سانحه به نیروهای امدادی، بلافاصله امدادگران ایستگاه آتش‌نشانی و اورژانس به محل حادثه اعزام شدند. بر اثر شدت برخورد، از خودرو پراید فقط پلاک عجب اتان سالم مانده بود، اما امدادگران به امید نجات جان سرنشینان پراید، ضمن جلوگیری از حوادث احتمالی بعدی، با استفاده از تجهیزات فنی خود اقدام به رهاسازی سرنشینان این خودرو و فیدلیتی کردند. در جریان این عملیات، امدادگران اجساد پنج قربانی این سانحه را همراه پنج مصدوم از خودروها بیرون کشیدند و تحویل امدادگران اورژانس دادند. علت دقیق این حادثه همچنان در دست بررسی است.

اوبو | ساعت ۲۱:۱۷ چهارشنبه
گذشته صدای تیراندازی‌های بی‌دری
در خیابان خیبر۱۶، شبیه شوکی به تن
این کوچه بود و لطیفان رفت و آمد را متوقف کرد. با
صدای تیرکاف یک خودرو سواری و قطع خبر
صدای تیراندازی، اهالی تازه به خود آمدند و متوجه
شدند که مردی جوان در پیاده رو غرق در خون افتاده
است. با اعلام حادثه به اورژانس، تیرکیمه جان این
جوان که چندین گلوله به بدنش نشسته بود، به

خبر

فازنه ادامه داد: هر روز که می گذشت، وضعیت بدتر می شد. در این مدت کسی به سراغم نیامد و هیچ کس یادش نیامد که من در این دنیا هستم. شوهرم نیز شب و روز به بهانه های مختلف شکنجه ام می کرد. گاهی که جوابش را می دادم، اتو را داغ می کرد و قسمت های مختلف بدنم را می سوزاند که آثارش روی نقاط مختلف بدنم هست.

این زن جوان دربارۀ بدترین اتفاقی که در این شکنجه‌گاه مخوف برایش افتاده بود، گفت: یک بار که با هم درگیر شدیم، بیج می‌کشیدم و او دست انداخت و دهانم را جرد داد و به جای اینکه مرا با آن همه خون ریزی و درد نزد دکتر ببرد، خودش با ناخن و سوزن دهانم را دوخت که آثارش هنوز وجود دارد.

فائزه که با شک ماجرای زندگی اش و برای مددکار
تعریف می کرد، درباره اینکه جلوس شد من را از خانه
بگیرد امدی بود. نمی دانم چه شد که من را آزاد کرد.
انگار دلش ازاده بود. گفت: روزی که از سرکچه ها در
همیشگی، من را از خانه بیرون آورد و سوار ماشین کرد
و راه مشهد را پیش گرفت و تا به خودم آمد، و دیدم مرا
بابت گوشه های از پدینگی تلخ این نوعوروس
هجده ساله در پرورده تشکیل شده، زن جوان درحالی
برای پیگیری پرورده و همچنین بررسی نوع سرکچه ها
و... به دادسرای خانواده برای پزشکی قانونی مدعی شد
که خودش می گفت جابجایی برای زندگی ندارد و نمی داند
از این به بعد چه باید بکند.

جنایت در خیابان خیر

است، پیاده می‌شود و بایک سلاح وینچستر به سمت این جوان شلیک می‌کند. مقتول تازش می‌کند بپارفتن به پیاده‌رو از مهلکه بگریزند. مهاجم پس از شلیک سه گلوله با وینچستر، یک کلت کمربند بیرون می‌کشد و هفت تیر نیز با آن به سمت مهاجم می‌اندازد. در این لحظه مقتول در پیاده‌رو غرق در خون می‌افتد. در تحقیقات بعدی هویت متهم که از اقوام مداری مقتول بوده است، شناسایی شد و تحقیقات برای متناهیات، مخفیگاه او ادامه داد.

است و با شلیک چندین گلوله از سلاح وینچستر و کمری که به قتل رسیده است.

بررسی‌ها برای شناسایی ضارب و دستگیری این فرد به خیابان خیفات کشیده شد. با حضور تیم جنایی در محل و آغاز تحقیقات ویژه مشخص شد مقتول مقابل یک کافه همراه دوستش نشسته بوده است. ساعت ۲۲:۱۷ تصمیم می‌گیرد که سوار ماشینش شود و از محل برود.

مرد جوان همین‌که به به خیابان می‌گذارد، ناگهان فردی از خودروی که آن سوی خیابان پارک بوده

تصویر از یک تصادف ترافیکی در خیابان تهران

A photograph of a white JAC truck that has been involved in a severe crash. The truck is heavily damaged, with its front end crumpled and its body twisted. A red sign with the words "ONE TON" in white letters is mounted on the roof. The truck is parked on a dirt surface, and the background shows a clear blue sky and some distant structures.

[illegible]